

بسم الله الرحمن الرحيم

سوره مبارکه طور

ميلاد عقيله بنى هاشم زينب كبرى سلام الله عليها

نماینده‌های سوره‌های با واو قسم

- صافات
  - ذاریات
  - مرسلات
  - نازعات
  - عادیات
- سوره ملائکه

ذاریات      اسم‌های قسم اسم فاعل

طور      اسم‌های قسم اسم محل یا شیء

نجم      اسم قسم اسم شیء

مقدرات



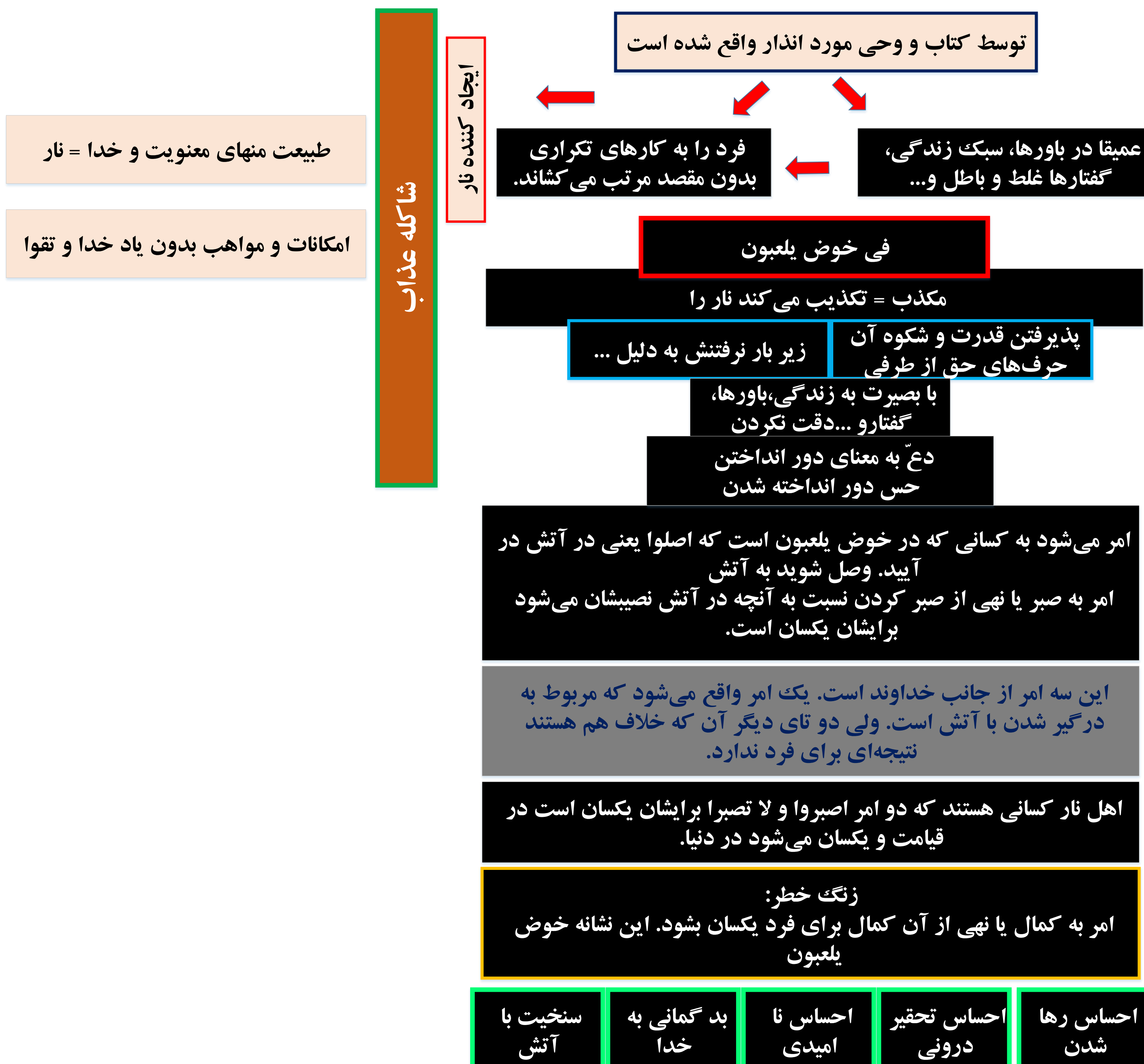
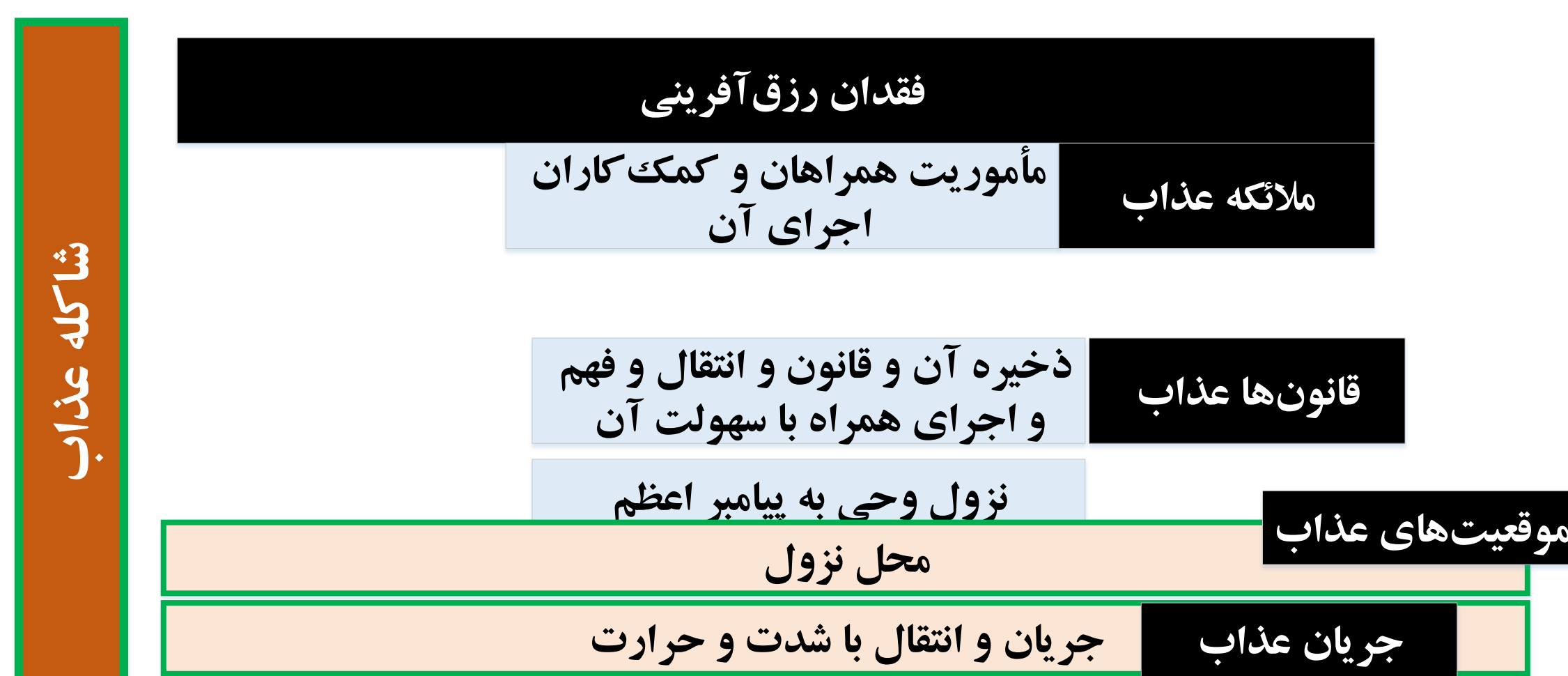
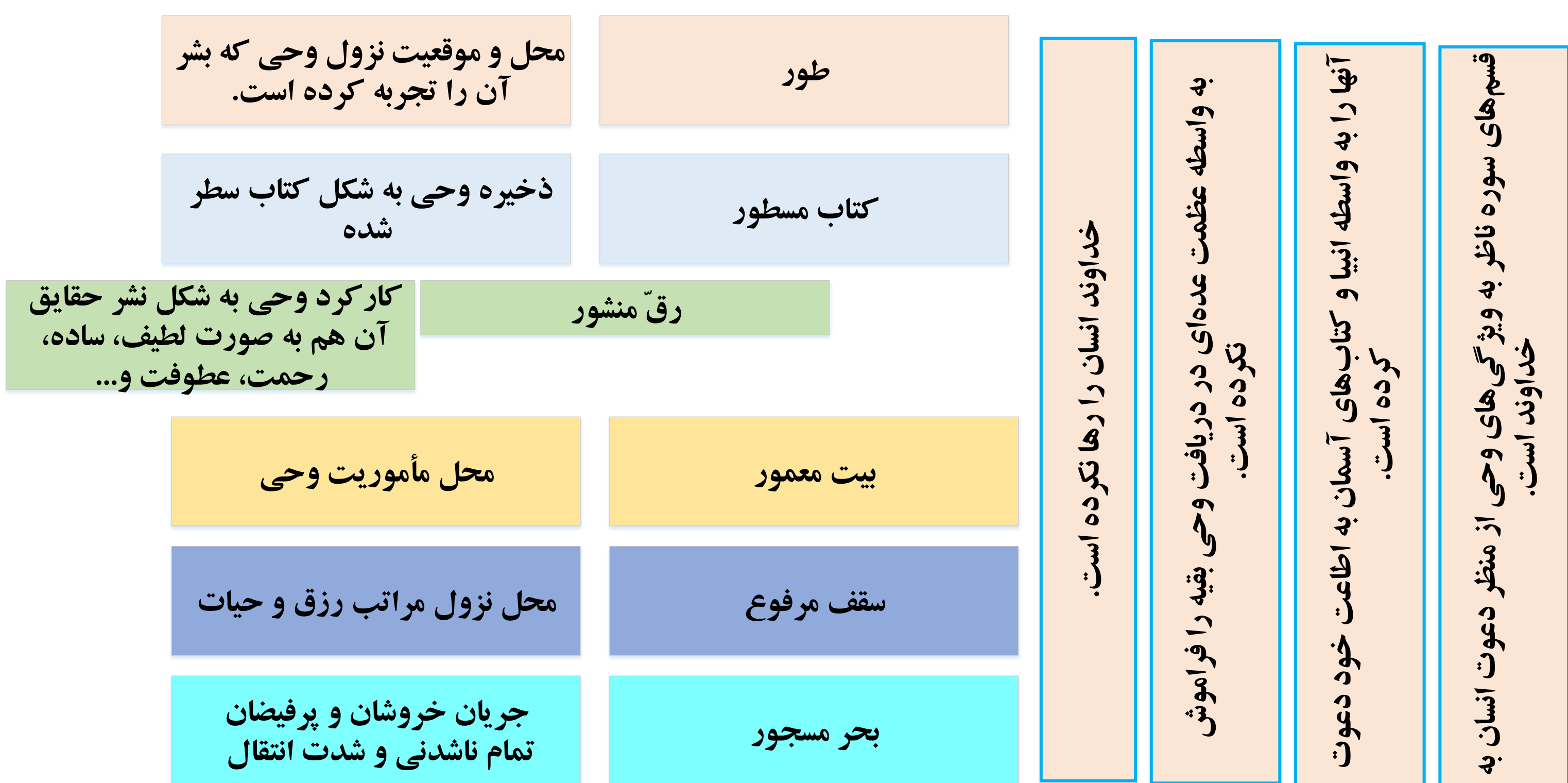
طور

دریافت حقایق + نزول حقایق

عذاب واقع

فقدان حقیقت

همگانی بودن است.



حساسیت انسان به امر و نهی خداوند را از بین می‌برد.

**به این زنگ خطر توجه کنیم:**

امر به کمالی یا نهی از همان کمال اگر برایمان یکسان شده است این نشانه خوبی نیست.

نسبت به کمال و حرف حق و مسیر خیر بی تفاوت بودن خوب نیست.

حداقل امیدواری، آرزومندی، دعا، خواستن و ... در مواجهه با کمال و حق و خیر است.

**به این زنگ خطر توجه کنیم:**

توان‌ها و قدرت‌ها و امکانات مادی خود را بدون خدا نخواهیم. یعنی امکانات اگر با خدا باشد تبدیل به آتش نمی‌شود.

اهل این قسم‌ها	نا اهل این قسم‌ها
برای او مشاهده یا لقاءوجه موضوعیت دارد. میقات /محل ملاقات پروردگار	میقات‌خواه نیست/ ملاقات‌خواه نیست.
رجوع به حقایق و ذکر آن و بهره‌مندی از حقایق و احکام برای او موضوعیت دارد.	بود و نبود کتاب الهی در زندگی او نقش ندارد.
عرصه‌هایی برای اجرای حقایق در زندگی دارد.	عرصه زندگی محل اجرای احکام الهی نیست.
رفت و آمد ملانکه روی زمین و روزی گرفتن از آنها برایش موضوعیت دارد.	اتصال فرد با معنویت و ملانکه قطع است.
امداد نگاه، فرد برای دریافت رزق از آسمان بلند و انتظار او در دریافت رزق الهی و داشتن مراتب حیات فعال شده است.	کفایت می‌کند رزق دنیایی برای او.
اتصال به جریان علم پر و خاصیت‌دار و پرحرارت پر احساس پر کمال...دارد.	علم به حقایق برایش به منزله علم به وقایع است. در این صورت اگر مورد نیاز تشخیص داده نشود پیگیری نمی‌شود.

طور

محل و موقعیت نزول وحی که بشر آن را تجربه کرده است.

کتاب مسطور

ذخیره وحی به شکل کتاب سطر شده

رقّ منشور

کارکرد وحی به شکل نشر حقایق آن هم به صورت لطیف، ساده، رحمت، عطاقت و...

بیت معمور

محل مأبورت وحی

سقف مرفوع

محل نزول مراتب رزق و حیات

بحر مسجور

جریان خروشان و پرفیضان تمام ناشدنی و شدت انتقال

خداوند انسان را رها نکرده است.

به واسطه عظمت عبادای در دریافت وحی پدیده را فراموش نکرده است.

آنها را به واسطه انبیا و کتاب‌های آسمان به اطاعت خود دعوت کرده است.

قسم‌های سوره ناظر به ویژگی‌های وحی از منظر دعوت انسان به خداوند است.



جهنم	بهشت
کسی که ذائقه نشست و برخاست با متقین را نداشته	محل متقین است.
کسی که جنبه داشتن امکانات را داشته باشد.	دارای جنات و نعیم هستند. محل استقرارشان پر حظ و بهره است.
توجهی ندارد به داشته‌هایش /توقع دارد نسبت به نداشته‌هایش نداشته‌هایش او را آزار می‌دهد.	نسبت به آنچه خداوند به آنها داده و عذاب‌هایی از آنها سلب کرده بسیار خرسند و شادمان‌اند دارای اعمالی هستند که جزای آن خوردن و نوشیدن گواراست.
اعمالی انجام می‌دهد که خوردن و آشامیدن را برای خود زهر می‌کند.	مرتب‌های وجودی آنها در ارتباط با هم است و هر کس با همان مرتبه با دیگری ارتباط دارد.
مرتبه‌های فرد قراردادی است و هر کس طالب مرتبه دیگری است.	قابلیت تزویج با حور عین را دارند.
فضای درونی فرد با شهوات آمیخته شده است.	فاکله خواه و لحم خواهند و اشتهای آنها برای این پالنده و شکوفاست.
میهمان دوست نیستند خودخواهند. با غریبه‌هایی که انسان‌های خوب‌اند انسی نمی‌گیرند.	اهل داد و سندهای مهربانه با هم هستند. پیوندهای عمیق معنوی و دوستی بین آنها و مؤمنین برقرار است.
اهل کارهای بیهوده و تأخیرهای ناپجاست.	در عین حال که با دوستان مؤمن به سر می‌برند و برای دریافت معارف حق مسابقه می‌دهند ولی اهل کارهای بیهوده و تأخیرهای نگران کننده نیستند.
نه اهل شاگردی‌اند نه اهل معلمی‌اند.	فرد به واسطه بودن‌هایش با دیگران در بهشت دچار انجام کار بیهوده نمی‌شود. در انجام هر کاری علمی معرفتی معنوی ذکری نصیب خود می‌کند و در این امر هم هیچ تأخیری ندارد.
اهل ارزیابی و بررسی خود نیستند.	اهل عطا به دیگران هستند و به قدری دارای ارزشند که می‌شود آنها را دوست داشت و دورشان چرخید با هر چرخیدنی از آنها علمی دریافت کرد.
خود را به دلسوزی‌های خالی از مهربانی توصیف می‌کنند یا حتی دلسوزی هم ندارند.	اهل ارزیابی و بررسی خود هستند.
خواست از خداوند دارد ولی نه تنها. یا اصلا از دیگران مطالبه دارد نه از خدا.	در خودشان شفقت را بارز می‌دانند. شفقت تب و تاب داشتنی از روی مهربانی حرارتی است خاموش نشدنی و سریان یافتنی
خداوند را بر رحیم نمی‌دانند. بنا بر این نمی‌تواند از ابرار باشد پس با هر خوبی نسبت به کسی از او متوقع است تنها از خداوند اجر نمی‌خواهد.	دعاهای فرد چه در عمل و چه در گفتار تنها متوجه خداوند است. هیچ خواستی غیر خواست خداوند ندارد.
	خداوند را بر رحیم می‌داند. به همین دلیل هم از ابرار است. یعنی اهل نیکی کردن‌های یک طرفه است.

محل استقرار پر حظ و نعمت

نزول عطا‌های خداوند

احساس‌های برانگیخته شده

داد و سندهای پر منفعت و بدون لغو و تأثیم

دریافت‌ها و پرداخت‌های علمی و معنوی نسبت به دیگران

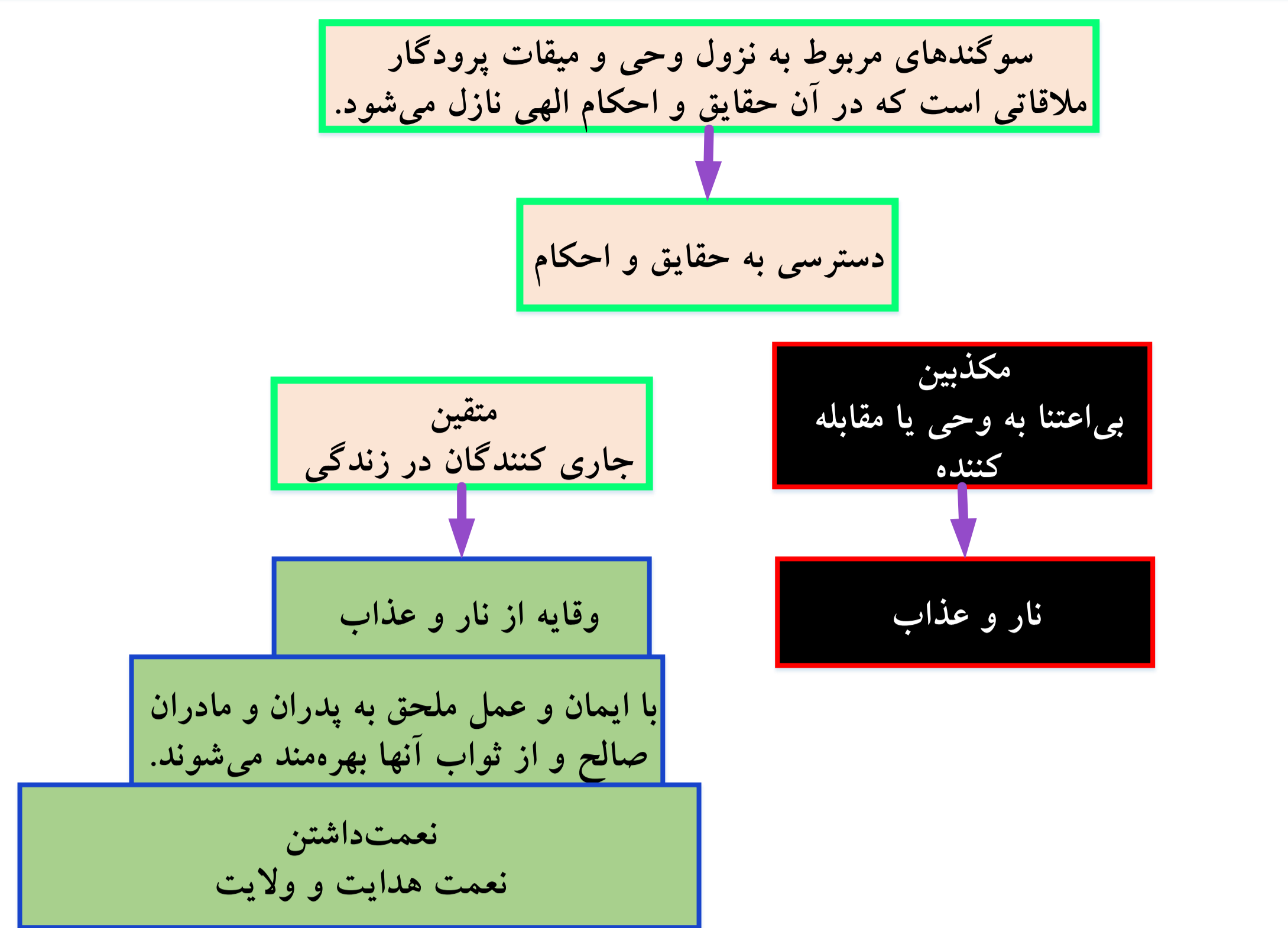
توجه به توان‌های خود و آتش در سینه و مهر و عطاقت خود به دیگران

انحصار در حکم‌خواهی از جانب خداوند

## سوره مبارکه طور - جلسه چهارم - ۸ دی ۱۴۰۰



توس و اضطراب	احساس برین/بصاری که همه حواس فرد را درگیر کرده باشد.	نعمت هدایت را نعمت نداند.	نعمت رسول را نعمت خودشان بدانند.	نسبت خود را با رسول مشخص کنند. / او را رسول بدانند.
		فرد هر قدر برای قرآن شأنت بشری قائل شود به عذاب نزدیکتر است.	وحی را کلام خدا که توسط رسول به عرصه حیات نازل شده بدانند.	
		ربطی به اقامه کلام خدا پیدا نکند بلکه نسبت به اقامه کلام خدا سوگیری داشته باشد.	برای پیشرفت وحی و کلام خدا و اقامه آن همراهی داشته باشد.	
سر در کم	آشفته‌گی آشفته‌گی	هیجان‌های غیر متعارف در فرد زنده می‌شود.	از طغیان و سرکشی دست بر می‌دارد.	نسبت خود را با خُلم مشخص کنند. / یعنی خود را صاحب عقل بدانند. قدرت تشخیص و تمایز = نقطع عطف برای بزرگ شدن و بازی گوشی را رها کردن
		جو زدگی در سرکشی = قوم	جلوی القانات اجتماعی در این طغیان باید گرفته شود.	
آرام نبودن	نداشتن آرامش	نمی‌تواند به خدا و رسول و سلسله اولیای الهی اعتماد کند و اطمینان داشته باشد.	به دین و دینداری و نظام دینداران اعتماد دارد. در اثر اجرای حکم به هم نریزد.	نسبت خود را با دین خدا مشخص کنند. / یعنی خود را صاحب حکم نداند. قدرت تشخیص حکم داشته باشد.
		خود را تافته جدا بافته ببیند و به گونه‌ای خاص با او برخورد شود.	با تلاش در فعال شدن سمع و ابصار و افنده خود مسیر شکر را می‌پیماید. فرد خود را دارای سیر تکاملی می‌داند.	نسبت خود را با خلقت خودش مشخص کنند. / یعنی خود را صاحب استعداد عطا شده بدانند. باید از سمع و بصر خود در هدایت یافتن استفاده کند.
حسن	بج‌پشت و پناه	احساس مکر و رسیدن پدی از ناحیه مخلوقات دارد. البته قوانین هستی / اسماء / کتاب و .. را نمی‌شناسد.	حقایق یقینی عالم را بشناسد.	نسبت خود را با خلقت دیگر مخلوقات مشخص کنند. / یعنی آنها را اهل کرامت و عطا بدانند.
		برای دلخوش کردن خود باید قائل به خزانهدارهای تصنعی و دروغین باشد.	به مخلوقاتی اعتماد داشته باشد که واسطه خداوند هستند خزانهدار عالم هستند و اهل بیت علیهم السلام کلید دار آن خزانها هستند.	نسبت خود را با مخلوقات عرشی مشخص کنند. / یعنی آنها را واسطه رحمت و رزق‌اند.
خون‌صهر	خوردن زرتگی کادپ احساس توهم			



اگر کسی بی‌بهره باشد او نعمت وحی و دسترسی آسان به آن



اگر کسی بخواهد که بداند اهل عذاب و نار است یا نه به این فهرست توجه کند:

هر کس حقایق که در باور او شکل گرفته است، متکی به وحی نباشد در معرض حقایق و احکام فرستاده شده از طریق جن و کهانت می‌گردد.

باورهایی که در زندگی انسان را می‌سازد و حاکم بر زندگی است این باورها متکی به وحی نیست.

اگر از زندگی انسان حذف کنید زندگی او بدون باورهای صادقانه می‌شود.

در زندگی انسان وحی همان چیزی است که در باورها او ثبات ایجاد می‌کند.

شاعر = به قدرت بافتن و خیال‌پردازی خود اتکا می‌کند. از پیش خود چیزی را خلق می‌کند.

تقابل یا پیامبر به وسیله احلام آنها اتفاق افتاده است ساختار میزان‌سنجی آنها اشکال دارد.

دلیل اینکه میزان‌سنجی آنها ایراد دارد به طیفان آنهاست. هر کس از حدود الهی تجاوز کند در معرض اختلال در میزان‌سنجی قرار می‌گیرد.

بین خداوند و رسول جدایی می‌اندازد. نمی‌تواند به آنچه رسول حکم می‌کند اعتماد کند. اگر قرآن حقایق نیست پس چیست؟ آیا می‌شود مثل آن آورد بیاروند.

بر اساس چنین مقایسه‌ای فرد باید به خدا اعتماد کند. بین خلق با حکمت و بدون آن هیچ تمایزی قابل نیست.

بلکه احساس جدایی دارد. برای خداوند باید و نباید تعیین می‌کند. برای اموری که توسط او اجرا شده اما و اگر می‌آورد. گویی او خالق است و خداوند مخلوق اوست.

حالتی از استکبار دارد به گونه‌ای که گویی او آسمانها و زمین را خلق کرده است.

غفلت از حکمت خلق

اعتراض به مقدرات

زیاده‌خواهی از عالم

- گزاره‌های وحیانی در زندگی
- اعمالی که انجام می‌دهید مستند به وحی است یا نه؟
- زندگی بر اساس خرد و میزان‌سنجی که تشخیص معیارهای زندگی را می‌دهد می‌گذرانید یا خیر؟
- حدود الهی در باره خودش و امکاناتش و روابطش را می‌شناسد یا نه.
- از حدود الهی تجاوز می‌کند یا نه؟
- به شریعت پایبند است یا نه؟
- ببیند برای خودش ارزش قائل است یا نه؟
- ببیند به مقدرات الهی که مطمئن است از جانب او آمده رضایت دارد یا نه؟
- ببیند برای دیگران می‌خواهد تکلیف تعیین کند یا نه؟

- رعایت حدود الهی
- پذیرش احکام شریعت
- خودشناسی از روی کرامت
- دیگرشناسی از روی لطف و رحمت

- فائد گزاره‌های حقیقی یقینی هستند.
- به ندی از موضع بالا صحبت می‌کنند که گویی:
- خرائن عالم در اختیار آنهاست.
- بر عالم سیطره دارد.
- احساس برتری‌های غیبی دارند.
- توزیع کننده امکانات عالم هستند.
- گویی وحی برایشان هزینه‌دارد.
- گویی نیازی به وحی ندارند چون غیب دست خودشان است.
- گویی همه توان خود را برای لطمه زدن و آسیب رساندن مخفیانه به کار گرفته‌اند.
- بلکه ایشان قائل به خدایی غیر از الله هستند. این فکرها همگی محصول شرک است.

- نیازشناسی
- ببیند احساس نیازش به خالق و رحمت بی‌انتهای او بسیار است یا نه؟
- فقرشناسی
- ببیند احساس فقرش بی‌انتهای او بسیار است یا نه؟
- رابطشناسی
- ببیند احساس انضالش به غیب بر اساس اطاعت است یا نه؟
- رغبت به غیب از طریق کلام خدا
- ببیند حس او نسبت به عطا کردن به دیگران از روی تواضع یا نه؟
- رغبت به خیر برای نصرت دین خدا
- ببیند که رغبت به شنیدن کلام خدا دارد یا نه؟
- ببیند برای خیررسانی بر اساس دین و نصرت الهی آمادگی دارد یا نه؟

در این دنیا هر کسی در معرض حوادث و رخدادهای خاصی قرار دارد ضمن اینکه استعداد هر کسی هم متفاوت است. نیز دوره رشد هر کسی هم مختلف است. بر این اساس در اثر دوری از وحی و میقات و کتاب و علم و احکام شرعی هر کسی به عذابی و ناری متناسب گرفتار می‌شود. سزاوار است هر انسان عاقلی حتی اگر ابتدا ظهور عقل باشد برای نجات خود از آتش و عذاب فکر چاره باشد و نسبت به خارج شدن از عذاب در همین دنیا مطمئن بشود. زیرا یکی از کارکردهای وحی همین است. یعنی به هر کسی اطلاع دهد که وضعیت بهشت و جهنمش چگونه است؟ وحی قیامت را دیدنی کرده است. وحی حقایق را شنیدنی کردن است. پس غرض سوره طور خروج انسان از عذاب و نار است. او ناجی انسان است.

